

یکی از ایالت‌های تابعه ایران در ادوار قدیم

سرزمین ریکزار و سوزان و بی‌آب و گیاه عربستان از قدیم‌ترین زمان تاریخی بعلت عدم امکان سکونت و ادامه زندگی نوع بشر هیچگاه مورد توجه اقوام و طوایف کشورهای همجوار قرار نگرفته و چون جای مناسبی برای زیست نبوده تمدن و فرهنگ نیز در این سرزمین جلوه قابل توجهی نکرده است. بغیر از چند نقطه که بهره‌ کمی از آب و گیاه داشته یا جاهائی مانند مکه و یثرب و طائف و دومة الجندل که به مرور در اثر قافله‌های کوچک بیابانی که برای رفع نیاز مندیهای روزمره اهالی از آنجا رفت و آمد میکردند بصورت شهرهای کوچک درآمده بودند، در سراسر این سرزمین پهناور که جز ریکه‌های تفته و بیابانهای فراخ چیزی ندارد زندگی شهرنشینی رونقی نداشته است اگر گاه چشمه‌ای کوچک از خاک میجوشید و سبزه‌ای پدید میشد عربهای بیابان گرد با شترها و چادرهای خویش همانجا فرود میآمدند زندگی این خانه بدوشان بیابانی از راه غارت و تظاول اداره میشد بهمین جهت ناچار مردمی غارتگر و حریص و مادی بوده‌اند.

بنابراین استیلا بر این صحراهای فراخ و بی‌آب و گیاه آن قدر اهمیت نداشته است که دولتهای بزرگ قدیم بویژه کشورهای همجوار عربستان مانند ایران و روم چشم طمع بآن بدوزند، ولی گاه اتفاق افتاده است که فرمانروایان بزرگ ایران برای حفظ جان افراد قافله‌های تجارتی خود اعراب صحرا گرد پر طاقت را بخدمت خویش میگرفتند.

بطوریکه نوشته‌اند وقتی کمبوجیه پادشاه هخامنشی در موقع لشکر کشی به مصر عربها را واداشت که در بادیه برای سپاه او آب تهیه کنند، همچنین در برخی از جنگ‌هایی که ایرانیان با یونانی‌ها کردند تازیان جزو سپاه ایران بشمار آمده‌اند.

بدینگونه در روزگار آن کهن عرب را شأن و قدری نبود، شهر و تمدنی نداشت و محیط زندگی او نیز پیدایش هیچ نظام و تهذیبی را اقتضا نمی‌کرد. آغاز ارتباط و اصطکاک ایرانیان با ساکنان جزیره عربستان را از دوران خیلی قدیم نوشته‌اند بعضی از محققان در وجه تسمیه حبشه گفته‌اند حبشت عنوان قومی بوده که در مشرق حضرموت اقامت داشته‌اند و در نتیجه استیلای پارتها از دریا گذشته و در سواحل افریقا سکونت گزیده و نام خود را بدان ناحیه داده‌اند. (۱)

در اوایل قرن سوم بعد از میلاد پاره‌ای از طوایف عرب از فترتی که در پایان روزگار اشکانی پیش آمده بود استفاده کردند و بسرزمین‌های مجاور فرات فرود آمدند و بر قسمتی از عراق دست یافتند. از این تازیان برخی همچنان زندگی بدوی را دنبال کردند اما عده‌ای دیگری بکار کشاورزی دست زدند پس از آن رفته رفته روستاها برپا کردند و شهرها بنا نهادند که از جمله شهر حیره بود، بطور کلی این کار معمول شده بود هر وقت که فترتی در کشورهای همجوار بوجود می‌آمد تازیان بنواحی سرحدی تاخت و تازمینمودند از جمله نوشته‌اند وقتی شاپور معروف به ذوالاکتاف بسن کمال رسید بتلافی تاخت و تازهایی که بعضی از قبایل عرب در حدود ایران کرده بودند از دریا گذشت. و قبایل عرب را در داخل جزیره تعقیب کرد و تا یمامه پیش رفت و تا نزدیک مدینه نیز رسید و از آنجا بسرزمین ثعلب و بکر در شمال جزیره‌های بین عراق و شام رفت و بعضی قبایل عرب را کوچانید و در ناحیه بحرین و اهواز و کرمان اقامت داد.

شاپور ذوالاکتاف در این لشکر کشی کاملاً فاتح شد و امر کرد کتف اسیران عرب را برای انتقام کشیدن از تهاجمات و تاخت و تازهای وحشیانه گذشته آنان

سوراخ کنند و ریسمانی از آن بگذرانند و پراثر این رفتار در تاریخ مشرق ملقب به ذوالاکتاف شد.

چنانکه فردوسی در شاهنامه آورده :

عربی ذوالاکتاف کردش لقب جواز مهره بگشاد کتف عرب
 قصه اصحاب فیل که سوره فیل در قرآن با جمال از آن سخن دارد بیشتر
 از آنچه مربوط بتاریخ عربستان باشد مربوط بتاریخ ایران است و ابرهه سردار
 حبشی که فرمانروای یمن بود میخواست سپاه خود را از مکه بمدینه برساند و
 و از راه وادی الرمه تا شمال جزیره پیش براند و بتأیید روم شرقی به مقصوفات
 ایران حمله کند .

در اواخر دوره ساسانی نفوذ ایران در عربستان بسیار توسعه یافته بود و در همه نواحی شرقی عربستان امتداد داشت ، در این دوره عربستان به دو قسمت جداگانه تقسیم شده بود ، نواحی غربی آن که مجاور با امپراطوری روم بود در زیر نفوذ رومیان و نواحی شرقی آن در زیر نفوذ شاهنشاهان ساسانی بود ، زیرا که از آغاز تاریخ ملل سامی که از حیث نژاد و زبان نزدیکترین رابطه را با تازیان داشتند در ایالت‌های غربی ایران در سواحل فرات و دجله ساکن بودند و نزدیکترین روابط مادی و معنوی در میان نواحی غربی ایران و خاک عربستان برقرار بود چنانکه سلسله معروف لخمی یا منذره که پایتختشان شهر حمیره بود و بر تمام قسمت شرقی عربستان حکمرانی داشتند دست نشانده پادشاهان ایران بودند و بنا بر برخی اسناد در سال ۲۵۰ میلادی پادشاهان ساسانی آنها را به فرمانروائی این نواحی گماشتند و در تمام دوره ساسانی نفوذ ایران در در مشرق عربستان برقرار بود و گاهی نیز به منتهای بسط خود می رسید چنانکه در زمان خسرو اول نوشیروان در سال ۵۷۰ میلادی مردم حبشه بنای دست اندازی را بر سر زمین یمن گذاشتند و مردم یمن سیف بن ذی یزن را که در ادبیات عرب بسیار معروف است و از پادشاهان حمیری یمن بوده است نخست بدر بار بوزنتیه فرستادند و چون از آنجا مأیوس شدند بدر بار نوشیروان رو آوردند و از او برای دفع حبشیان یاری خواستند ، نوشیروان هم گروهی از بدکاران را که میبایست سیاست کند بفرماندهی وهرزیا وهریز نام به یمن فرستاد، این

گروه حبشیان را از یمن بیرون کردند و حتی آنها را دنبال کردند و تا حبشه تاخت و تازهای نمودند و سیف بن ذی یزن را پادشاهی یمن نشانند ولی پس از بازگشت و هرز به ایران مردم یمن علیه سیف بن ذی یزن شوریدند و بالنتیجه او را کشتند ، و هرز دوباره از طرف انوشیروان مأمور شد که فتنه یمن را فرو نشانند و خود از طرف دولت ساسانی در آنجا به حکمرانی بپردازد .

بدینگونه از حدود سال ۵۷۰ میلادی تا ظهور اسلام مردم یمن تبعیت از حکمرانان ایرانی که با و هرز به یمن رفته بودند نمی کردند و هم چنان در آنجا ماندند و با زماندگان ایشان هم مدت‌های مدید حتی در دوره‌های اسلامی در یمن بودند و اعراب آنها را (ابناء) جمع (ابن) مینامیدند ، (۱)

به روایت دیگر سیف بن ذی یزن وقتی که برای جلب کمک و یاری دولت ساسانیان به تیسفون آمده بود در تیسفون مرد و پس از آن پسرش معد یکر به ایران آمد و به دربار ساسانیان رفت و از بیداد برهه دادخواهی نمود سرانجام خسرو انوشیروان با بزرگان دربار خود مشورت کرد آنان گفتند در زندان گروهی از بدکاران هستند باید ایشان را فرستاد اگر کشته شوند زبانی نرسد و اگر پیروز شوند کشوری را بدست آورده ایم ، خسرو این رأی را پسندید و دستور داد در کارنامه زندانیان بنگرند پس از بررسی معلوم شد هشتصد تن محکوم به مرگ در میان ایشان هستند ، بنا بر این انوشیروان دستور داد این عده به سرداری و هرز دیلمی با هشت کشتی بیاری مردم یمن اعزام شوند . نوشته‌اند در حین عبور از دریا دو کشتی آنها بادویست تن سرنشین در طوفان غرق شد و شش کشتی دیگر با ششصد تن به یمن رسیدند و در کرانه حضرموت پیاده شدند ، و هرز دستور داد کشتی‌هایی که ایشان را آورده بود بسوزاند تا لشکریان وی دیگر امید بازگشت نداشته باشند و به امید بازگشت به وطن از شوق و شور نیفتند .

فرمانده حبشیان و قبیله این عده اندک را دید اعتنائی نکرد اما بسیاری

۱- تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان تألیف